



نظریه‌ای تازه از مک‌لوهان در فلسفه تاریخ

بعقیده مک‌لوهان همه ابزارها و از جمله وسایل اطلاع در حقیقت «امتداد و گسترش خود آدمی» هستند چنانکه بشر غارنشین امتداد و گسترش دست اوست و کتاب در حکم امتداد و گسترش چشم انسان است و سایل ارتبا طوا اطلاع بر قی جدیدم انتدیگر افوتلفن و تلویزیون امتداد گسترش جهانی کزی عصی ماست. اما نکته قابل توجه این است که ابزارهای وسایل من بور گرجه همان امتداد و گسترش بدن آدمی است اما عملاً فقط بدن و جسم او را دیگر گون می‌کند بلکه موجب تغییر در محیط فکری و فرهنگی وی می‌شود. هملاً کتابت - جناب که بهای خود باز خواهیم نمود - حس بینائی را برخواس دیگر غایبه می‌دهد و تعادل پیشین حواس پنجگانه را بهم می‌زند و از این راه، طرز احسان و اندیشه و عمل انسان را دربرابر جهان واقعیت تغییر می‌دهد و در نتیجه محیط تازه‌ای پدیده می‌آورد.

عصر دوم را عصر کتابت با اقبال نامیدیم، عصر جدیدنیای جادوئی شناوری را منقلب کرد و عالم تازه‌ای که بر تعادل حسی جدیدی بینتی بود بینان آورد. بینائی برخواس دیگر غالب گشت و بدین مفاسیت همه فرهنگ‌بشاری زیر و رو شد. اختراق گوتینبرگ (صنعت جاپ) موجب آن گردید که آدمی از واقعیت، ادراکی تازه حاصل کند و به تناسب صفت جدید، اجزاء عالم را بصورت خطی و پیویسه و متعدد الشکل و ممتد انگارد. تمام مشخصات زمین نقل اخبار و اطلاعات (۵) باید جستجو گرد.

عصر جدید از همین نقطه ریشه گرفت و شکل پیدا کرد. هملاً چون کتاب، امکان تنهایی و مطالعه و تفکر تنهای را بینان آورد اصالت فرد، رشد و توسعه یافت و چون در عالم کتاب، تفکر قبیل از عمل یا دور از عمل ممکن شد بینان اندیشه و عمل جدایی پدید آمد. خواندن و نوشتن خط، فکر خطی را بوجود آورد و تفکر خطی در عالم اقتصادی موجب پیداشدن صنایع خطی گردید که در آن ماشین‌ها و کارگران را اصف‌کشیده‌اند و هر یک جزء عملی مکمل عمل قبلی می‌کند.

در دنیای علم این دوش خطی، نظریه‌های مکانیستی را رواج بخشید و افکاری چون آراء دکارت و نیوتن را که مفهومی خطی از جهان حاصل کردند توسعه و پروش داد. در پهنه هنر، اندیشه خطی سبب ظهور علم مناظر و مرایا شد و در عرصه ادب، تاریخ فویسی بصورت توصیف پیاپی (وقایع و وقایع نگاری) را پیدا کرد.

الفبا و شیوه جاپ موجب بیدائی و توسعه اصل تقسیم و تفکیک از جمله درزینه کار و تخصص شد و اجتماعات بهم بسته و پیوند خود را قدمیداً منفجر کرد و ازدوا و تفرد ووارستگی از جمیع در اون نق داد.

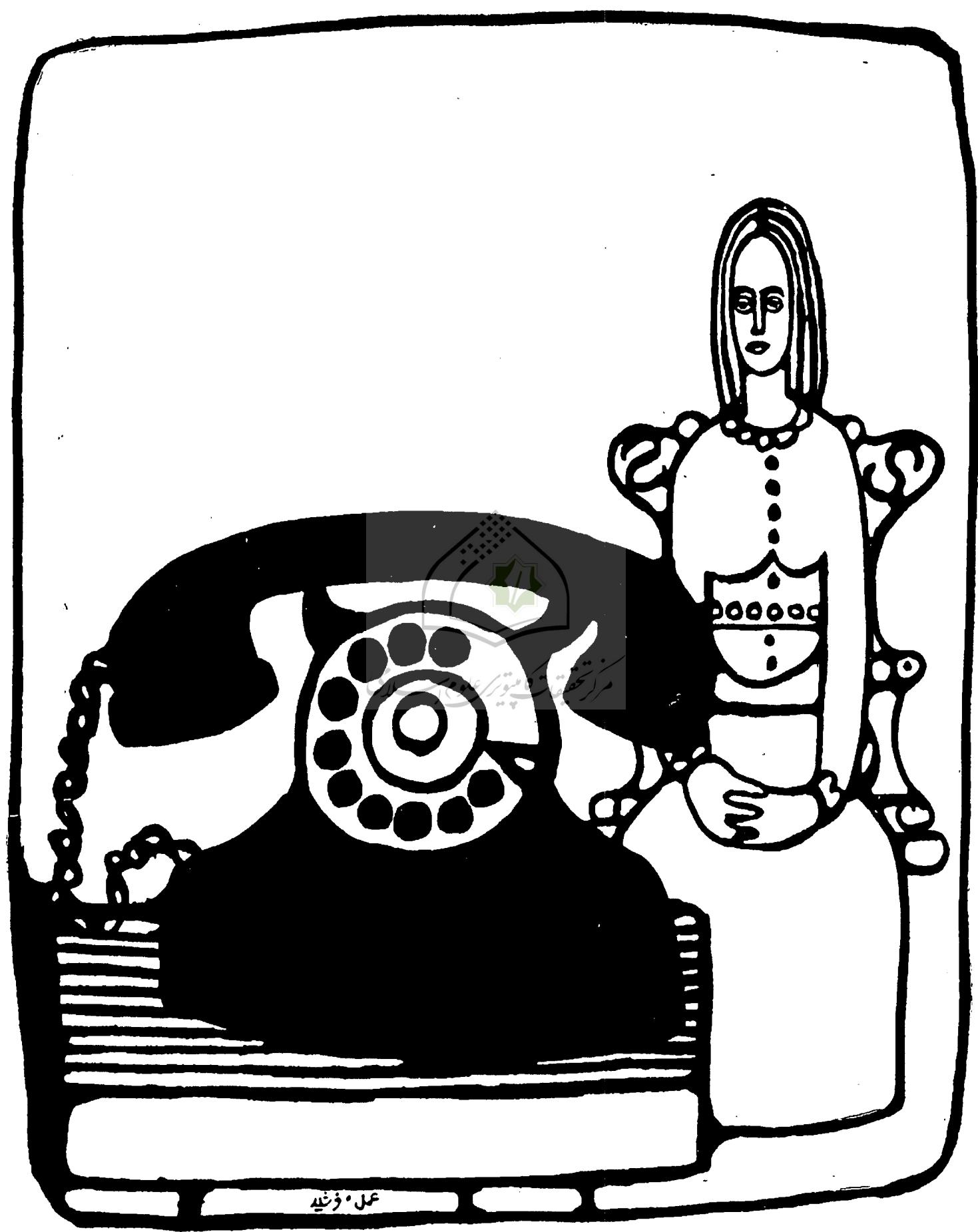
در عصر کتابت باصره نیش از خواس دیگر کارمی کرد از این رو اصل مشاهده در کسب علم اهمیت یافت و در حقیقت، چنانکه اشاره کردیم، کتاب چیزی جز گسترش و امتداد چشم نبود، مشاهده آدمی را از دنیای راز بین و آورد واقع جوی و عینی و عقل گرای کرد. شور و هیجان عصر قبیله‌ای جای خود را به وارستگی و خونسردی مرد تنها داد و در همراه فتکی و بهم آشتفتگی به نظم و نریز بقیه در صفحه ۵۶

از جمله محققان معاصر امن بکای شمالی که نظریه‌ای بدین در عرصه خود طرح کرده و انقلابی عظیم در جهان اندیشه پدیدید آورده است هارشا مک‌لوهان (۱) استاد داشتگاه نورنبرگ و مدین مرکز پژوهش‌های راجع به فرهنگ و تکنولوژی است که چنانکه شنیده‌ام نه فقط از جهت معنی بلکه از نظر مادی نیز در شمار گران‌ترین استادان موارع بخار منظور آمده است. مک‌لوهان که در ادبیات اندکلیس از دانشگاه کمپنی پیچ درجه دکتری احرار کرده بیشتر جامعه شناس است تا ادوب و او را از دامت تفکر کلی که در تحولات تاریخی جوامع و دینه و علت اصلی آن‌ها کرده است با فیلسوفان تاریخ‌چون آرنولد توینبی (۲) می‌توان مقایسه کرد.

در مقابل دو جامعه‌شناس نام آور قرب نوزدهم یکی اگوست کنست (۳) و دیگری کارل مارکس (۴) که عملت العمل حوالات تاریخی و سرچشم طورات و دیگر گونه‌های اجتماعی را یکی در تجول فکر از مرحله مذهبی و فلسفی بحالات علمی و اثباتی می‌شمرد و دیگری در تبدیل زیر بنای اقتصادی و خصوصاً تغیر وسائل و قوای تولید می‌دانست هارشا مک‌لوهان نظریه‌ای تازه پرداخته و بر آن است که منشأ این تغییرات فکری و اجتماعی را جمله در دیگر گونشدن وسائل نقل اخبار و اطلاعات (۵) باید جستجو گرد.

بعقیده مک‌لوهان، نوع و شکل وسیله اطلاع بیش از محدودی آن در تشکل جامعه‌ها موثر است. از این رو است که مک‌لوهان عنوان یکی از آثار خود را چنین گذاشته «وسیله اطلاع، خود بیام است» و بعدهار تفکر آنچه مهم است پیامی که وسایل اطلاع باها منتقل می‌کنند نیست بلکه خود آن وسایل است که نه فقط حس بلکه فکر ما در تحت نایبر آنها قرار دارد و به تبع آن همه تحولات تمدنی به تغییر این وسایل هر بوط می‌شود. مک‌لوهان زندگی بشری بر روی این کره خاکی را به سه عصر تقسیم می‌کند و در حقیقت هر عصری را از این نوع وسیله اطلاعی می‌داند که در اختیار آدمیان بوده است. عصر اول را عصر قبیله‌ای یا دوره فرهنگ غیر مکتوب می‌خوانند. عصر دوم را دوران گوتینبرگ (تمدن مکتوب) یا عصر نفر دنام داده است. عصر سوم را نیز که دوره کنونی باشد عصر الکترونیکی. می‌توان نامید و بازگشت بدوره قبیله‌ای می‌توان شمرد.

در عصر اول که هنوز کتابت بینان نیامده بود و دوران «قبیل از سواد» خوانده شده است و سیله عمدۀ اطلاع همان شنیدن بود. آدمی در جهانی صوتی می‌زیست. از جادوگران قبیله کسب اطلاع می‌کرد و چون هنوز دنیای بصر اهمیت نیافرته بود و مشاهده و تجربه شخصی قدری نداشت شور و حالی مذهبی داشت و از سیسته می‌پندشت و بدین مناسبت شور و حالی مذهبی داشت و از جهت آنکه اندیشه فردی هنوز رشد نکرده بود بحیات جمیع و مشارکت در آداب و رسوم گروهی شوق می‌ورزید و بزبان دیگر در عالم قبیله‌ای می‌زیست. در همین عصر که روز گلزارانی دراز ادامه یافت ابزار و زبان در اجتماع آدمیان پدیدار شد و انقلابی در مخزها بوجود آورد و انسان را از انواع دیگر متمایز کرد (۶).



عمل: ذئبيه

در فلسفه تاریخ (بقیه)



(۶) سخن مک‌لوهان، خلاف قصیدق کسانی است که می‌گویند نخست در مفتر آدمیان تحولی روی داد و بمناسبت آن از اروزان اختراع شد.

(۷) Involvement

(۸) Assenbly line

منطقی منتهی شد در حالی که مرد ابتدا در جهان صوتی که بر او بصورتی افقی و بی‌بایان عرضه شده بود بسیاری بر مرد عص کتابت بدنیانه قدم نهاد که در آن چشم فضای محدود می‌سازد واقعی و عمودی را بهم آمیخته قرینه‌سازی می‌کند و فی المثل در حالی که در پرده نقاشی مردانه سکارا و کارا و که بر روی قطعه یخ و برف قرار دارند نمایان است بلکه آن چه در زیر قطعه و وجود دارد تصویر شده است. در جامعه‌تمدن اصول مناظر و مرآیا بر نقاشی و حجاری خصوصاً از هم در نسانس باین طرف حکومت می‌کند.

عصر سوم که از قرن نوزدهم آغاز شده و در فن ماشنت بیشتر یافته عصر الکترونیکی است که ار اختراع تلکراف (سال ۱۸۳۵) سر جسمه گرفته و با ساخت و بکار بست تلویزیون بکمال رسیده. هم چنانکه اختراع گوتبرگ وحدت کهنه قبیله‌ای را از هم پیشید و دنیای فردیت و اصالت اندیشه خطی را رونق بخشید عصر جریان برق نیز تحولاتی عظیم بر او انداخت وجهان را بار دیگر به سوی تجمع برد ولی بجانب تفکری تازه که نهم‌بیتی بر باصره بلکه متکی بر سامعه و تاحدی لامسه بود سوی داد. بخلاف وسائل اطلاع در عصر کتابت که مشوق تنهایی و استقلال و آزادگی بود وسائل جدید چون سینما و تلویزیون امر واج اشتراک و موجب «خود در گیر پنداری» (۷) است. دنیای «خطی» اینک در شرف سقوط است و این انقلاب در تمام شوون زندگی هم‌اکنون هویت‌آور است. تقسیم کار و شخصیت که تاحد پاشیدگی و خرد کاری پیش‌رفته بود حال در استانه تحول وارد شده است. روش خطی در صنایع (۸) بزودی تغییر می‌پذیرد. حتی طرز تفکر ادمیان هم بکلی متغیر می‌شود. بقول ملک‌لوهان حتی گرایش مردم امریکا بازاری بی‌بال که بازی خطی و فردی است بازاری فوتیال که جمهوری و مشترک است از این تحول اساسی حکایت می‌کند.

گفتیم که عصر کتابت، عصر تقلیل فردی و هدف گرایی بود و هدف گرایی لازمه تفکر خطی. اما عصر جدید، عصر شارکت جمعی و «در گیر سازی» عمومی است از این رو بگفته ملک‌لوهان حسرت نباشد کرد که جوان امروزی کمتر به کار آینده و هدف زندگی خود می‌اندیشد و بیشتر طالب ایفای نقش فوری و شرکت جشن در حیات کنونی است. عصر الفباء، چنانکه اشاره کردیم عصر صنایع خطی است که توده‌های کالای همسان را بمقدار زیاد و بی‌ای تویید می‌کند اما عصر جدید بزعم ملک‌لوهان وضعی تازه خواهد داشت چنانکه بجا ای یک نوع کتاب و مجله و روزنامه برای همکان، هر کس و هر گروه هنچانس، موافق نیازهای خاص خود سفارش انتشار کتب. مجلات و روزنامه‌های مخصوص خواهد داد.

نکته جالب توجه آن است که هیچ جنبه از جنبه‌های فرهنگ و تمدن ازدیده ملک‌لوهان پوشیده نمی‌ماند و جملگی را به تغییری که در وسائل اطلاع روی داده است هر بوط می‌کند چنانکه بگفته او تحول از تمدن بصری الفباء به فرهنگ سمعی و لمسی دوران برق، سبب آن شده است که مردم امروز در بیوش و آرایش خود مسامحه کنند و دختر و پسر مانند هم لباس بی‌پوشند و تمایل به عربیانی و تن‌نامی و حتی ذوق مینی‌زوب، بینندگان را متاثر و بر انگیخته نکند.

(۱) Marshall Mc Luhan مولف آثار عدیده چون عروس مکانیکی ۱۹۵۱ - دیک وسایل ارتباط ۱۹۶۴ - و کتابهای دیگر

(۲) Arnold Toynbee مؤلفه مجله مطالعه‌ای در تاریخ جهان Auguste Conte (۳)

Karl Marx (۴)
Mass Media (۵)